



ناگفته هایی صریح درباره اصلاح طلبان.

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس ششم، ناگفته‌هایی از فعالیت‌های سیاسی خود و وضعیت امروز اصلاح طلبان را بیان کرده است.

گزیده گفت‌وگوی احمد پورنجاتی با روزنامه «اعتماد» در پی می‌آید:

* به عقیده من شناسنامه‌ها را درست باید بررسی کرد. بیشترین دفاع از وضع موجود را همین جریان اصلاح طلب در گذشته داشته است. حتی اگر بناست کسی را کنسروات و حافظ وضع موجود بدانیم، جریان چپ رادیکال اصلاح طلب گذشته است.

* من هیچ وقت راست نبودم حتی در حزب جمهوری اسلامی هم نبوده‌ام. من متهم به جریان امت در دوره‌ای بوده‌ام ولی هیچگاه با جریان امت هم نبوده‌ام. همواره یک عنصر مستقل بوده‌ام. فقط در یک دوره دو ساله به عنوان عضو «جمعیت دفاع از ارزش‌ها» بوده‌ام که عبارت بود از قهوه‌خانه‌ای که عده‌ای برای یک کار خاص دور هم جمع شده بودند. اتفاقات مهم دنیا در قهوه‌خانه‌ها افتاد. اتفاقاً در تمام دنیا این‌طور بوده است. تصور شما از قهوه‌خانه‌ها قلیان کشیدن و اینها نباشد. مهم‌ترین هنرمندان دنیا قهوه‌خانه داشته‌اند و مهم‌ترین سیاستمداران دنیا هم قهوه‌خانه داشته‌اند. کاری بود در قهوه‌خانه برای یک هدف مشترک و ده‌ها هدف متفاوت. هدف مشترک را در همان روز اول اعلام کردیم و محقق شد و آن هم شکستن انسداد سیاسی بود. در دوره‌ای که جمعیت دفاع از ارزش‌ها را تأسیس کردیم واقعاً فضا برای تنفس سیاسی مهیا نبود. جمعیت دفاع از ارزش‌ها می‌خواست نقش جریان بن‌بست‌شکن را ایفا کند که فضای یخ‌زده بشکند. دست کم آنهایی که بهره‌اش را برده‌اند اعتراف کرده‌اند. آقای کروبی به عنوان فردی که در آن زمان لیدرتر از آقای خاتمی هم بود این موضوع را گفت و بعد خود آقای خاتمی در سپاسگزاری و دادن سهم به جمعیت دفاع، از میان آنان وزیر انتخاب کرد.

* من پیش از اینکه جمعیت دفاع باشد و اصلاح طلبی دوم خرداد باشد، ارتباطم با شخص آقای خاتمی خیلی بیشتر از جریان راست بود. من در شرایطی که مدیر آقای ناطق نوری در وزارت کشور بودم یار گرمابه و گلستان آقای خاتمی در وزارت ارشاد هم بودم.

* تمام افراد اصلاح طلبی که الان شما حتی به عنوان تئوریسین اصلاحات می‌شناسید در شکل‌دهی سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی و نظامی کشور نقش داشته‌اند. آقای حجابیان تئوریسین دیروز و امروز اصلاحات ما است و بسیار هم عزیز است، ایشان در دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری بوده است که کار اطلاعاتی می‌کرد و در شکل‌گیری وزارت اطلاعات حضور داشت. محسن آرمین و بهزاد نبوی سپاهی بودند. مصطفی تاج‌زاده که مدیرکل بخش فرهنگی اما کار ممیزی انجام داد. اگر بخواهیم از این منظر نگاه کنیم باید برگردیم انقلاب دیگری کنیم و ببینیم خب حالا اصلاح طلبان چه کسانی هستند و بعد مسئول شوند.

* به هایدگر می‌گفتند تو یک تئوریسین نازیسم بودی حالا چطور فیلسوف شده‌ای؟ و اینکه به مارکز می‌گفتند تو برنده نوبل ادبیات، با آقای کاسترو فالوده می‌خوردی و چطور این‌گونه شده‌ای؟ یعنی فضا را

به اشتباه می‌اندازند. مهم این است که در هر برهه‌ای باید در مقیاس کوچک ارزیابی کرد که این فرد در شرایط آن دوره کجای نقشه سیاسی اجتماعی بوده و چه کاری می‌کرده است. مثلاً در مورد مسأله آقای بازرگان و برخورد با او به عنوان دولت موقت موضع این آقا چگونه بوده است؟ می‌گفت که ما با جریان نهضت آزادی باید چه تعاملی بکنیم؟ یعنی پرسش فردی.

* در اوج برخورد با نهضت آزادی وقتی از من در مورد نهضت آزادی می‌پرسند می‌گویم نهضت آزادی حق قانونی دارد به عنوان تشکیلات فعالیت کند. بروید ببینید در آن دوره چه کسانی چگونه موضع می‌گرفتند علیه نهضت آزادی.

* من از دیروز تا به حال فرق کرده‌ام. بنده هر لحظه تغییر می‌کنم و بنده پیشینه قبل از انقلاب فعالیت سازمان‌یافته مذهبی با مشی چریکی بوده است و به این خاطر به زندان افتاده‌ام در حد خودم به عنوان یک جوان نوزده بیست ساله‌ای که به زندان رفته است. امروز چنین نگاهی دارم؟ 180 درجه تغییر کرده‌ام. هرگز چنین نظری ندارم.

* اگر به سال 76 بازگردیم تلاش می‌کنم در آن شرایط کسی به میدان بیاید که بتواند با راس ساختار قدرت در ایران تعامل کند. بر این اساس حتماً در کنارش می‌روم که کار انجام دهم.

* ما در سال 75 نیستیم. الان در سال 93 هستیم و تمام طرف‌هایی که حتی تازه به وجود آمده‌اند و خیلی هم بزرگ شده‌اند، تفاوت کرده‌اند. یعنی هم در ابعاد کمی و هم وضعیت کیفی اتفاقات مهمی افتاده است. در مناظراتی که در سال 76 اتفاق می‌افتاد سه جریان کنار هم می‌نشستند. مرحوم آقای زواره‌ای خیلی وارد این بازی‌های مناظره‌ای نمی‌شد.

* صفارهرندی وزیر اسبق ارشاد که آن زمان در دفتر سیاسی سپاه بود و به کیهان هم کمک می‌کرد در جریان انتخابات سال 76 مرا که دید گفت پسر من دانشجوی دانشگاه تهران است و گفته برنده مناظره سه نفره سلامتی، جواد لاریجانی و پورنجاتی در مسجد دانشگاه تهران دو هیچ به نفع آقای خاتمی بود. برای اینکه درست وقتی که آقای لاریجانی مسأله ولایت فقیه را به عنوان عامل مشروعیت نظام مطرح کرد، بنده گفتم مشروعیت حقوقی ولایت فقیه و خود نظام هم طبق نظر امام به اعتبار رای مردم است.

* همان زمان که جمعیت دفاع، نشریه منتشر می‌کرد یکی از مسئولان نهادهای نظامی شروع به تهدید کرد. من از موضع دفتر سیاسی جمعیت دفاع مقاله می‌نوشتم. کار به جایی رسید که آقای حسینیان می‌خواستند استعفا بدهند و می‌گفتند در جلسه شورا تکلیف ما را مشخص کنید.

* دیدگاه آقای ری‌شهری که با رهبری هم مطرح کرده بود این بود که نظام باید از تمام ظرفیت‌ها با گرایش‌های مختلف استفاده کند. در دوران امام هم همین استراتژی از سوی ایشان انجام می‌شد. حتی فردی را که به طور طبیعی در جناحی دچار انزوا می‌شد برمی‌کشید. مثلاً آقای شیخ محمد یزدی در مشهد کاندیدای خبرگان شد و رای نیاورد. آقای عبایی رای آورد. بلافاصله امام آقای یزدی را عضو شورای نگهبان کردند. آقای ری‌شهری می‌گفتند که ما باید کاری کنیم که جریانی که الان دچار نوعی عزلت شده است حس کند که در بازی حضور دارد. حتی در تعبیری که رهبری به ایشان داشتند گفتند شما از دو طرف مورد حمله قرار می‌گیرید و اگر این تصور شود که شما در صدد راه‌اندازی جریان سوم هستید مورد مدح طرفین قرار نمی‌گیرید و مورد حمله طرفین قرار می‌گیرید.

* ما هنوز به کاریزما احتیاج داریم. ما آقای خاتمی را علاوه بر اندیشه‌ای که دارد هنوز به عنوان نوعی جذابیت و مقبولیت اجتماعی، عنصر کارآمدی می‌دانیم.

* خوشبختانه به دلیل اینکه پیوند زدن جریان اصلاحات به سرنوشت آقای خاتمی کار کاملاً درستی نیست، مختصراً درست است اما نه کاملاً، پس از انتخابات 88 با دید باز به تدریج جامعه ایران دارد

مختصات کار سازمانی می‌گیرد. به هر حال از زیرمجموعه متکثر جریان اصلاحات و تشکلهایی که بودند هم شورای هماهنگی اصلاحات و به طور مشخص در شورای مشورتی که شکل گرفت خودمان هم گاهی احساس می‌کنیم معجزه‌ای شده است چون از جلسات که اتفاقات مهمی به دست نمی‌آید اما انگار این اتفاقات به ضرورت‌های تاریخی نقش مهمی داشت. من خودم اعتراف می‌کنم که فکر نمی‌کردم این فرآیند اینقدر نتیجه‌بخش باشد. با اینکه همه خیلی فعال برخورد می‌کردیم.

من هیچ وقت عضو هیچ‌جا نبوده‌ام. عضو مشارکت هم نبوده‌ام. حتی در مجلس هم عضو فراکسیون مشارکت نبوده‌ام.

* بخشی از واقعیت‌ها را متأسفانه ما وامدار آقای احمدی‌نژاد هستیم. او به اندازه‌ای شرایط کشور را دچار سو سیپانس بی‌وزنی کرد و کشور را مثل بالن در زمین و هوا گذاشت که همه تلاش می‌کردند این را به نحوی روی زمین بگذارند. بنابراین نوعی عقلانیت و نوعی ناگزیری از تدبیر یافتگی رفتاری سیاسی اتفاق افتاد. به هر حال کارگزاران نخستین جریانی است که کمتر مورد حساسیت بوده است و جدای از مرزبندی‌ها به هر حال در ذیل اصلاح طلبی دارد کار می‌کند. بقیه جریان‌های اصلاح طلب هم دارند تلاش خود را می‌کنند. آنهایی هم که دچار محدودیت شدند ممکن است با تابلوی رسمی خود نتوانند کار کنند ولی به هر حال فعالیت بی‌تابلو را دارند.

* دقیقاً اصلاح طلبان بیش از اینکه به احزاب نیاز داشته باشند، به سازمان‌های مردم‌نهاد احتیاج دارند.

* من از صحبت‌های اخیر رهبری با دولت احساس بدی ندارم. با وجود اینکه عده‌ای می‌گویند که احساس خوبی نداریم. من به هیچ وجه احساس بدی ندارم. اینکه گفتند باید مرزبندی مشخصی با فتنه داشته باشیم و سال 88 برای ما مللک است، چیز تازه‌ای نبود. چیزی که بیان شد ابراز نظر و تاکید بر چیزی بود که همواره بیان شده بود.

* دوم خرداد یک اتفاق پیش‌بینی نشده بود. سال 84 یک اتفاق پیش‌بینی نشده بود. ممکن است در کلیت آن بگوییم که تدبیری بود برای اینکه اصلاح طلبان را دور کنیم ولی آن شخصی که به عنوان خروجی رئیس‌جمهور شد مبتنی بر تدبیر نبود. بنابراین من می‌گویم این طور فکر نکنیم که یک ذهن با اراده و فعال ما پشاه هست که می‌تواند همه کاری بکند و می‌خواهد هم که انجام دهد و بعد بخواهیم بگوییم اصلاح طلبان با چه سمپاتی اجتماعی باید دست به کار شوند.

* سال 88 اول موضوع بحث مطالبه و رای و این جور بحث‌ها بود و کاملاً یک کنش مدنی بود و به تدریج به نوعی رویارویی تبدیل شد که از منظر حاکمیت وجهه امنیتی پیدا کرد. اینکه این رویکرد غلط بود خوب معلوم است از نظر من غلط بود و بیشترین رفتار را از نوع رفتار امنیتی حاکمیتی ما می‌دیدیم. باید برگردیم و به قضیه نگاه کنیم آیا حاکمیت تصمیم به حذف اصلاح طلبان داشته است؟ خیر. من می‌گویم چنین تصمیمی نداشته است.

* بعد از 88 این نوع نگاهی که به وجود آمده است که اصلاح طلبان قرار است اتفاقات مشابه 88 را ایجاد کنند و اساس نظام را به هم بریزند، خوب چنین نگاهی به اصلاح طلبان غلط است. بله، البته در آن شرایط فرصت‌سازی برای اصلاح طلبان با محدودیت زیادی مواجه بود. بعد از انتخابات 92 در دوره‌ای که الان در آن هستیم اتفاقاً برای کنش سیاسی معطوف به قدرت اصلاح طلبان زمینه فراهم خواهد شد. به نظر بنده حاکمیت عزم این را ندارد که دفعه بعد با همه اینها برخورد کند.

* باید توجه کنیم بخشی از حاکمیت که نگران حضور اصلاح طلبان در قدرت است، مقدار زیادی رفتار و مستنداتش معطوف به کاری است که همین دولت انجام می‌دهد. اگر بیشترین تاکید دولت فعلی بر این باشد که مطالبات حداکثری اصلاح طلبان را دنبال کند که اصلاً نخواهد توانست بنابراین دولت ناکارآمد می‌شود اگر به بخش‌های قابل اجرا توجه کند تعدادی از اصلاح طلبان ممکن است ناراضی باشند. اما از

منظر حاکمیت نوعی اطمینان بخشی ایجاد می شود و بالطبع ادامه حرکت در انتخابات مجلس و تایید صلاحیت ها انگار حضور عناصر سفیدتر بیشتر می شود.

* در بعضی از اولویت هایی که مدنظرمان بود تجدید نظر خواهیم کرد. من به عنوان رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس ششم مطرح می کنم. دست کم در قانون مطبوعات که خودم آن طرح را امضا کردم هم خودم تدوین و دفاع کردم و هم بعد از آن پیام رهبری روز بعد استعفا دادم. اگر دوباره اتفاق بیفتد آن کار را نمی کنم. به این خاطر که قانون مطبوعات اگر اصلاح هم می شد، تغییر جدی رخ نمی داد. اما یک سری کارها را انجام می دادم. مثلاً در مجلس ششم در برخی عرصه های زیرساختی اقتصادی و اجتماعی کارهای مهمی اتفاق افتاد. اگر اینها به همین صورت از منظر صنفی ادامه می یافت و ما به سمتی می رفتیم که فضای قانون مند اتحادیه ها و نظام صنفی واقعی و سندیکاها قانون مند می شد وضعیت بهتر بود. کار دوم مساله اصلاح ساختار اداری کشور بود و قانون زدایی به مفهوم مبارزه با فساد بود.

* یکی از عوامل موفقیت جریان هایی که بزمن در رو آمدند و بخشی از حاکمیت را گرفتند، اتفاقاً لانه گزینی در ساختاری بود که ما امروز پرونده های فساد آن را می بینیم. دست کم این را به عنوان احساس خرسندی نسبت به خودم بگویم که شورای مشورتی که ما با آقای خاتمی به طور منظم داشتیم مکرراً من و آقای مهندس موسوی و یکی دو نفر دیگر بحث می کردیم که باید روی مساله مبارزه با فساد اداری به عنوان مساله مهم کار شود. در مرحله اول هم با مقررات زدایی باید این کار صورت گیرد. افرادی هم بودند آن زمان که می گفتند این نوعی فرصت دادن است که به نوعی علیه دولت از آن استفاده شود. یکی از دوستان اصلاح طلب آن جمع هم می گفت که این موضوع به ضد خود بدل می شود و علیه دولت به کار می رود. من فکر می کنم این نوع از کارها اهمیت بسیار زیادی دارد.

* ایجاد ساز و کار قانونی برای به کارگیری ان جی او ها، چیزی که ما در مجلس ششم داشتیم شروع می کردیم ولی موفق نشدیم. من طرحی در مجلس دادم که کمیسیون های مجلس ملزم بشوند که هر طرح یا لایحه ای چه از نماینده ها و چه از دولت حتماً باید با حضور ان جی او هم نام مربوطش باشد و با اظهار نظر آن باشد و آنها بیایند نظر بدهند. گزارش کمیسیون به پیوست آن به صحن داده شود و نمایندگان بر اساس نظر خود و آنها کار کنند. بعد از تصویب قانون و ابلاغ و اجرای آن هم این ارتباط پایشی و نظارتی ان جی او به صورت قانون مند وجود داشته باشد. فقط هم ماهیت سیاسی نداشت. در زمینه های مختلف مدنظرم بود. اگر دوباره بتوانیم در مجلس حضور یابیم به این مسائل خواهیم پرداخت. فکر هم نمی کنم کسی نگران باشد. ماجرایی مبارزه با فساد و اداره کشور و قانون زدایی است. چه کسی با قانون سرمایه گذاری خارجی مخالفت کرد؟ با اینکه به نظر بنده یک دگرگونی جدی بود.

* تا جایی که من احساس می کنم ارتباط حمایتی و تعاملی جدی جریان اصلاح طلب با تمام تفاوت طیف بندی هایش با آقای روحانی و برنامه ها و سیاست هایی که دارد وجود دارد. این یک امر موقتی نیست و پایدار است. تعبیرم این است که پایگاه اجتماعی آقای روحانی، ائتلافی است. از آن خودش نیست ولی در اختیار او قرار داده شده است تا پایان دوره ای که خواهد بود.

* برخلاف برخی اطرافیان آقای روحانی که به دنبال پایگاه سازی بودند و مدل جبهه مشارکت در زمان آقای خاتمی را خیال می کردند، این اتفاق هنوز نیفتاده است. آقای خاتمی برآمده از پایگاه اجتماعی بود، نه اینکه او ایجادکننده آن پایگاه باشد. این طور نیست که هر روز فراتر از سقف آنچه خود آقای روحانی اعلام کرده است و اصلاً حمایت ها مبتنی بر آن اتفاق افتاده است مطالباتی دنبال شود. در هیچ بخشی از جریان حامی آقای روحانی چه اصلاح طلبان، چه آقای هاشمی و چه آقای خاتمی این موضوع دنبال نشده است. به همین دلیل توسط اصلاح طلبان عبور از روحانی وجود ندارد با اطلاعی که من دارم و با واقعیتی که من می بینم. می خواهم آب پاکی روی دست افراد آن طرف که تلاش می کنند چنین چیزی را از موضوع نشان دهند، ریخته باشم. حتی موضوعاتی مثل ایجاد تشکل هایی که نامشان اخیراً مطرح می شود اساساً بر کر به وجود آمده و نشان داده شده توسط اصلاح طلبان خدشه ای وارد خواهد کرد.